

# حقوق و وظایف اخلاق اجتماعی متقابل در صحیفه سجادیه\*

□ سیدحسین شرف‌الدین<sup>۱</sup>

چکیده

افراد جامعه بسته به موقعیت و نوع نسبی که با یک‌دیگر دارند، از حقوق و تکالیف متقابلی برخوردارند. مراد از «حق»، قدرت، سلطه یا نوعی امتیاز مدنی است که از طرف عرف، قانون یا نظام اخلاقی (در حقوق اخلاقی) برای اشخاص، گروه‌ها یا سازمان‌هایی بر ذمه کسانی، مقرر و منظور شده و آنها اعتباراً می‌توانند ادای آن را در قالب الگوهای پذیرفته شده، از افراد ذی‌ربط مطالبه و استیفا کنند. بدیهی است که برخورداری از هر حق، با نوعی تکلیف به صورت متقابل یا با واسطه ملازم است. امام سجاده علیه السلام در ضمن برخی دعاها صحیفه متقابل یا با رساله حقوق خود به بخش قابل توجهی از حقوق و تکالیف متقابل اخلاقی (و تاحدی قانونی و الزامی)، افراد عموماً و مؤمنان خصوصاً، توجه داده است. نوشتار حاضر در صدد است تا با غور و تأمل در ادعیه مختلف صحیفه سجادیه فهرستی از این حقوق و تکالیف را استخراج کرده و آنها را در حد مجال، توضیح و تفسیر نماید. سؤال اصلی پژوهش حاضر این است که از دید صحیفه سجادیه، مؤمنان در جامعه اسلامی و در روابط و مناسبات اجتماعی

خویش از چه حقوق و وظایفی به صورت متقابل برخوردارند. روش این مطالعه، تحلیل محتوای کیفی فرازهای منتخب از ادعیه صحیفه سجادیه است. **واژگان کلیدی:** حق، حقوق، تکلیف، اخلاق، عرف، مؤمنان.

### مقدمه

عموم اعضای جامعه بسته به موقعیت و نوع پیوند و ارتباطی که با یک دیگر دارند، از حقوق و تکالیف متقابلی نیز نسبت به هم برخوردارند. در منابع دینی (آیات، روایات و ادعیه)، و به تبع آن در منابع فقهی و اخلاقی اسلام به این حقوق و تکالیف دست کم در خطوط کلی، توجه داده شده است. «حق» و جمع آن حقوق، در اصطلاح، قدرت یا امتیازی است که از طرف قانون یا عرف برای فردی یا جمعی مقرر شده است (جعفری لنگرودی، ۱۳۶۳: ۲۱۶). حق معانی مختلفی دارد و مقصود در اینجا معنایی است که در برابر «تکلیف» قرار می‌گیرد. حق، در این معنی چیزی است که به نفع فرد و بر عهده دیگران است و تکلیف، چیزی است که بر عهده فرد و به نفع دیگران است. به بیان دیگر، حق «برای فرد محق و مستحق» است و تکلیف «بر فرد مکلف» (آقابخشی، ۱۳۷۶: ۳۷۲).

اساساً افراد جامعه بر پایه یک رشته روابط، مناسبات و وابستگی‌های متقابل، استحقاق برخورداری مشروط از برخی امتیازات را می‌یابند که مجموعاً به نام «حقوق» یا حقوق اجتماعی شناخته می‌شوند. این حقوق متضمن مجموعه‌ای از اختیارات، مزایا و سلطه‌هایی است که منشأ و خاستگاه قانونی دارند (همان). گفتنی است که حق و تکلیف در عرصه حقوقی (نه ارتباط افراد با خدا)، دو امر متلازم‌اند؛ یعنی در مقررات حقوقی، هر تکلیف ملازم با حقی است که برای دیگران در نظر گرفته شده و هر حقی نیز تکلیفی را برای دیگران به همراه دارد.

استاد مصباح یزدی<sup>۱</sup> در بیان این تلازم می‌نویسد: در تمامی مواردی که حق را در مورد امور اجتماعی و روابط انسان‌ها با هم به کار می‌بریم، حق ملازم با تکلیف است؛ یعنی به همراه جعل و اثبات حقی برای یک نفر (من له الحق)، تکلیفی نیز برای فرد دیگری (من علیه الحق) اثبات می‌شود. تلازم حق و تکلیف نیز به دو گونه تصویر

می‌شود:

۱) جعل حق برای کسی (مثل نفقه برای زن)، وقتی اثر دارد که دیگری (شوهر)، ملزم و مکلف باشد این حق را محترم بشمارد؛

۲) اثبات هر حقی برای فرد در امور اجتماعی، تکلیفی نیز برای همان فرد اثبات می‌کند. برای مثال، اگر در جامعه به افراد امتیازات و حقوقی داده می‌شود، آنها نیز در مقابل، موظف و مکلف خواهند بود که به جامعه خدمت کنند.<sup>۱</sup>

استادجوادی آملی، نیز در توضیح ویژگی‌های نظام حق و تکلیف معتقد است: حق و تکلیف هر چند جزو حکمت عملی هستند و در قلمرو باید و نباید قرار دارند اما جزو اعتباریات محسوب نمی‌شوند. هر یک از این دو عنوان، هم مسبق به ملاک‌های تکوینی و حقیقی‌اند که منبع و پشتوانه عینی قوانین حقوقی و قواعد فقهی و تکلیفی به حساب می‌آیند و هم ملحق به پاداش و کیفر تکوینی و حقیقی‌اند که در قیامت ظهور می‌کنند. از این رو، برای شناخت حقوق و تکالیف انسان، باید ماهیت او را شناخت؛ چه نظام حقوق و تکالیف الهی «انسان محور» است. جایگاه‌شناسی نیز از اموری است که در تعیین «حقوق بشر» نقش اساسی دارد. نمی‌توان برای همه افراد در جایگاه‌های مختلف حق مساوی قائل شد. افراد ممکن است به اعتبار اصل وجودشان حقوق مشترک داشته باشند، اما وقتی بحث از جایگاه می‌شود، گذشته از حقوق مشترک، حقوق اختصاصی هر ذی‌حقی مطرح می‌شود. جایگاه برابر، حقوق برابر، جایگاه بالاتر حقوق بیشتر و جایگاه پایین‌تر حقوق کمتر؛ مثلاً در یک اداره، همه افراد از آن جهت که «انسان»‌اند، حقوق مشترکی دارند، اما از آن جهت که هر کدام مقامی و سمتی دارند، حقوق متفاوتی هم خواهند داشت.

گفتنی است که بخش قابل توجهی از حقوق توصیه شده در منابع دینی، از نوع حقوق اخلاقی‌اند که با حقوق مصطلح تحت عنوان حقوق قانونی تفاوت‌هایی دارند. حق در یک تقسیم‌بندی کلی به دو نوع حق حقوقی (ناشی از جعل و دارای ضمانت اجرای رسمی)، و حق اخلاقی تقسیم می‌شود. به بیان برخی اندیشمندان، در ادبیات و

۱. محمدتقی مصباح یزدی، نظریه حقوقی اسلام، ج ۱، ص ۷۲-۷۳؛ همچنین ر. ک: همو، حقوق و سیاست در قرآن، ج ۱، ص ۳۱، ۸۰، ۱۷۲ و ۱۸۰.

فرهنگ اسلامی یکی از مواردی که واژه «حق» کاربرد فراوان دارد در زمینه مسائل اخلاقی است. ما در مورد برخی چیزها مفهوم حق را به کار می‌بریم در حالی که این گونه نیست که اگر شخص، آنها را رعایت نکند قابل پی‌گیری و مجازات به‌وسیله دولت باشد. این گونه حقوق را «حقوق اخلاقی» می‌نامند مانند حق همسایه، حق صلۀ رحم، حق استاد، حق شاگرد، حق مسجد، حق حیوانات و نظایر آنها. بسیاری از این حقوق از نظر فقهی حکم و جویی دارند و رعایت آنها لازم است؛ اما در هر حال، عدم رعایت آنها حداکثر موجب گناه و استحقاق عذاب اخروی است و قابل پی‌گرد و جریمه دنیایی و حکومتی نیستند. حق حقوقی فقط در روابط بین انسان‌ها مطرح می‌شود، در حالی که حق اخلاقی در مورد رابطه انسان با حیوانات و حتی موجودات بی‌شعور و جمادات نیز وجود دارد (مصباح یزدی، ۱۳۷۸: ۹۳/۱).

از جمله منابع دینی که به کلیات حقوق و تکالیف متقابل افراد عموماً و مؤمنان خصوصاً توجه داده است کتاب شریف صحیفه سجادیه و رساله حقوق امام سجاد علیه السلام است. نوشتار حاضر بر تحلیل و تفسیر اجمالی گزاره‌های منتخب صحیفه متمرکز خواهد بود.

### ۱- پیشینه

در شرح و تفسیر مضامین و آموزه‌های صحیفه سجادیه تاکنون آثار متعددی نگارش یافته که تنها برخی از آنها با موضوع نوشتار حاضر تناسب دارند؛ از این میان مهم‌ترین آثاری که می‌توان از آنها به‌عنوان پیشینه یاد کرد مقالات ذیل‌اند: «بررسی مبانی تربیت اجتماعی از دیدگاه امام سجاد علیه السلام در صحیفه سجادیه» تألیف فرشته ملاسلیمانی و همکاران، (روان‌شناسی تربیتی، شماره ۱۷، تابستان ۱۳۸۹)، که به بیان کلیاتی از مبانی و اصول تربیت اسلامی پرداخته است؛ «فرهنگ حقوق والدین در صحیفه سجادیه»، تألیف عبدالکریم پاک‌نیا (مبلغان، شماره ۱۶۵، اردیبهشت و خرداد ۱۳۹۲)، که در سه شماره متوالی به طرح کلیاتی از حقوق والدین پرداخته است؛ «بررسی اصول اخلاق اجتماعی در صحیفه سجادیه»، تألیف فردین احمدوند (پژوهش‌های اخلاقی، شماره ۵، پاییز ۱۳۹۰)، که به توضیح برخی از ارزش‌های اخلاقی فردی و اجتماعی مورد توصیه صحیفه پرداخته

است؛ «تجلی قرآنی بایسته‌های اخلاق اجتماعی در صحیفه سجادیه»، تألیف الهه هادیان رسانی و کوثر بصام (حدیث و اندیشه، شماره ۲۱، بهار و تابستان ۱۳۹۵). که به ذکر نمونه‌هایی از اخلاق اجتماعی مورد توصیه مشترک قرآن و صحیفه پرداخته است؛ «جلوه‌های اخلاق اجتماعی در ارتباط با همسایگان از منظر صحیفه سجادیه»، تألیف علی خیاط و مصطفی رمضان زاده خیرآبادی (پژوهش‌های اجتماعی اسلامی، شماره ۱۱۶، بهار ۱۳۹۷)، که به بیان شمه‌ای از بایسته‌های اخلاقی مؤمن در ارتباط با همسایگان پرداخته است؛ «شناسایی ابعاد نیازهای اجتماعی در صحیفه سجادیه»، تألیف حمید رضا ابراهیمی و همکاران (فصلنامه مدیریت اسلامی، شماره ۱۱۴، بهار ۱۴۰۰)، که به بیان اجمالی برخی نیازهای فردی و اجتماعی انسان از جمله نیازهای ارتباطی پرداخته است. وجه تمایز نوشتار حاضر این است که هیچ‌یک از آثار فوق به بحث از حقوق و تکالیف متقابل مؤمنان به صورت جامع نه بخشی (مثل حقوق والدین یا همسایگان)، پرداخته است؛ هیچ‌یک به بیان حقوق و تکالیف به صورت توأمان پرداخته است؛ هیچ‌یک در مباحث مقدماتی و توضیحات ضمنی به شرح این دو مؤلفه به زبان حقوقی و جامعه‌شناختی پرداخته است.

## ۲- حقوق و تکالیف متقابل مؤمنان

با توجه به اینکه عمده‌ترین مبنای تقسیم‌بندی افراد در یک جامعه دین محور، موقعیت اعتقادی آنها و نوع نسبتی است که با نظام اعتقادی و ارزشی حاکم و غالب دارند. بی‌شک، موقعیت کانونی و جایگاه محوری و تعیین‌کننده از آن مؤمنان و موالیان به آن دین، خواهد بود. مؤمنان چه در ارتباط با یک‌دیگر و چه در ارتباط با ناهم‌کیشان، حقوق و تکالیف متقابلی دارند که در منابع مربوط عمیقاً به رعایت و ادای آن تأکید شده است. در نظام ارزشی اسلام، به‌طور طبیعی مومنان به این دین، به دلایل عدیده بر غیر مؤمنان از هر صنف و گروه ترجیح یافته‌اند. از این رو، عموم مؤمنان و نظام اجتماعی مبتنی بر جهت‌گیری‌های کلان اعتقادی و ارزشی دین، باید این تفوق و سیادت را در تمام برنامه‌ها، مناسبات و تعاملات ریز و درشت خود به رسمیت شناخته و عملاً بر آن مهر تأیید نهد. در مباحث مقدماتی این نوشتار به برخی از این حقوق توجه

داده شد.

قرآن کریم در آیات متعدد به جایگاه مؤمن و وظایف متقابل ایشان توجه داده است. برای نمونه، در برخی از آیات قرآن (آل عمران/۵۵)، به برتری مؤمن بر کافر توجه داده است؛ در برخی (شعراء/۲۱۵)، حضرت محمد ﷺ به تواضع در مقابل مؤمنان، و در برخی دیگر (انعام/۵۴)، به لزوم برخورد ملاطفت آمیز با ایشان توصیه شده است. در آیاتی (شعراء/۱۱۴)، به عدم طرد مؤمنان، به عنوان سیره عملی پیامبران الهی، توجه داده شده است.

علامه طباطبایی در تفسیر آیه ۱۳۹ سوره آل عمران و در بیان وجه برتری مؤمن می نویسد: ایمان امری است که با علو مؤمن قرین و توأم است و به هیچ وجه ممکن نیست با حفظ ایمان خود زیر دست کافر شود، چون ایمان ملازم با تقوا و صبر است و ملاک فتح و ظفر هم در همین دو است (طباطبائی، ۱۳۶۳: ۴۰/۴). تفسیر نمونه نیز در توضیح آیه ۱۴۱ سوره نساء به چرایی نفی سلطه کفار بر مؤمنان پرداخته و می نویسد: از آنجا که کلمه سیبل به اصطلاح از قبیل نکره در سیاق نفی است و معنی عموم را می رساند از آیه استفاده می شود که کافران نه تنها از نظر منطق بلکه از نظر نظامی، سیاسی، فرهنگی، اقتصادی، و... خلاصه از هیچ نظر بر افراد با ایمان، چیره نخواهند شد. اگر پیروزی آنها بر مسلمانان را در میدان های مختلف با چشم خود می بینیم به خاطر آن است که بسیاری از مسلمانان، مؤمنان واقعی نیستند و راه و رسم ایمان و وظایف و مسئولیت ها و رسالت های خویش را به کلی فراموش کرده اند (مکارم شیرازی، ۱۳۸۱: ۱۷۵/۴). در درون جامعه مؤمنان نیز، قاعدتا کسانی که مراتب بالاتری از ایمان، تقوا، کمالات و فضایل اخلاقی و اعمال نیکو دارند، بر سایرین ترجیح داده می شوند. بدیهی است که تأکید بر این رجحان بیشتر با هدف ترسیم خطوط کلان جامعه اسلامی صورت می گیرد؛ چه روشن است که این مقولات به دلیل ماهیت کیفی قابل اندازه گیری و نسبت سنجی نیستند و برتری مؤمنان و متقیان نیز الزاما به معنای استحقاق بیشتر برای دریافت امکانات و امتیازات بیشتر و خاص تر نیست. لازم به ذکر است که این قبیل ترجیحات اعتقادی در همه ادیان نسبت به کسانی که به دین و آیین آنها کافرند اعمال می شود و اختصاصی به اسلام ندارد. نکته پایانی اینکه این نوع قشربندی و

تبعیض و ترجیح اعتقادی با موضع حقوق بشری اسلام در پذیرش کرامت ذاتی انسان و اعطای برخی حقوق و امتیارات به اقتضای این ویژگی مشترک، به عموم انسان‌ها، منافی نیست.

تردید نیست که مؤمنان در وجوهی با یک‌دیگر اشتراک دارند و به واسطه همین امور از سایرین تمایز می‌یابند. از جمله این مشترکات: پیوستگی اعتقادی و ارزشی به مثابه امت واحد (احساس هویت دینی مشترک فراتر از تعلقات سرزمینی و جغرافیایی، قلمروهای حاکمیتی (دولت - ملت)، اعصار و ادوار تاریخی، قومی و نژادی و...) [اعتقاد مشترک به وحدانیت خداوند، معاد، نبوت عامه و خاصه، فرشتگان الهی، کتب آسمانی، قرآن کریم، خانه کعبه به عنوان قبله مشترک، و بسیاری از عناصر نمادین دیگر]؛ تعلق روحی و پیوند ولایی مثبت عموم مؤمنان با یک‌دیگر؛ اقتدای عموم به اسوه‌ها و شخصیت‌های الگویی (پیامبر و ائمه علیهم‌السلام و مؤمنان فرهیخته و کمال یافته)، و الگوگیری از ایشان در عقیده و عمل؛ قدرشناس بودن نسبت به زحمات پیشینیان به پاس مجاهدت در راه دعوت، تبلیغ و گسترش دین؛ احساس مسئولیت متقابل ایشان در برابر یک‌دیگر و خیرخواهی و نیک اندیشی متقابل.

متأسفانه جامعه مؤمنان به‌رغم اشتراکات اعتقادی، ارزشی، هنجاری و نمادین فوق تحت تأثیر برخی زمینه‌ها، در گذر زمان دست‌خوش انشعاب و تفرق شده و درجاتی از اختلاف و تقابل را در طول تاریخ تجربه کرده است. اهم عوامل مؤثر در این عارضه ویران‌گر عبارتند از: درآمیختگی معارف دینی با سنت‌ها و رسوم قومی و آموزه‌های فرهنگی، ظهور تفسیرهای انحرافی و تنگ‌نظرانه، استفاده‌های ایدئولوژیک از دین جهت پیشبرد اغراض سیاسی و قومیتی، فراموش شدن رسالت‌های الهی دین به‌ویژه نقش آن در ایجاد همبستگی اجتماعی میان مؤمنان و بلکه پیروان ادیان الهی، درگیر شدن مسلمین در مجادلات کلامی و فقهی، نفوذ خائنان و فتنه‌انگیزان، ظهور رهبران حاکمان مستبد، پدیده استعمار کهن، ظهور پدیده دولت - ملت، نفوذ برخی اندیشه‌های مدرن همچون پلورالیسم و نسبیت اعتقادی و عملی، سکولاریسم و...

### ۳- حقوق و تکالیف مؤمنان در کلام امام سجاد علیه السلام

در بخش قبل به وظایف اخلاقی عام مؤمنان در برابر یکدیگر اشاره شده و در این بخش به حقوق و تکالیف خاص مؤمنان در برابر برخی مرتبطان که به لحاظ هنجاری از درجه الزام بیشتری نیز برخوردارند، اشاره می‌شود. همان‌گونه که در قبل بیان شد، طبق آموزه‌های دینی، مؤمنان از حقوق و تکالیف متقابلی نسبت به یکدیگر حتی فراتر از اینکه در یک جامعه و بافت اجتماعی زندگی کنند، برخوردارند و انتظار می‌رود که همگان در حد امکان به اقامه آن اهتمام ورزند. این نظام حق و تکلیفی عمدتاً اخلاقی و در مواردی و نسبت به برخی افراد، حقوقی (قانونی) است. از این رو، در مواردی با محورهای تذکر یافته در فصل قبل هم‌پوشانی اجتناب ناپذیر دارد. امام سجاد علیه السلام در فرازهای متعددی از دعاهای صحیفه و رساله حقوق خویش، به برخی از این حقوق و وظایف توجه داده‌اند که در ادامه بدان اشاره خواهد شد. بدیهی است که نفس داشتن حقوق و تکالیف متقابل و لزوم ادای متناسب آن، امری اجتماعی و ارتباطی است، اگرچه ممکن است افراد در مقام ادای وظیفه، خود را در یک چرخه تقابلی و داد و ستد رفتاری احساس نکنند.

برای مثال، از جمله حقوق متقابل مؤمنان، دعا و آرزوی موفقیت برای یکدیگر در پیشبرد امور دنیوی (اعم از فردی و اجتماعی)، و امور اخروی است. روشن است که افراد در مقام ادای چنین حقی به صورت فردی تصمیم گرفته و اقدام می‌کنند و توقع دریافت پاداشی هم از این رهگذر ندارند. گفتنی است آن دسته از دعاهایی که مؤمنان به صورت متقابل، موفقیت یکدیگر را در اصلاح و پیشبرد امور اجتماعی خود طلب می‌کنند، در صورت اجابت بازتاب اجتماعی داشته و قاعدتاً نتایج آن در حیات جمعی ایشان به ظهور خواهد رسید.

امام سجاد علیه السلام در فرازی، برای همه مؤمنان و تصدیق کنندگان رسولان الهی و تابعان آنها [در زمان‌ها و مکان‌های مختلف]، و نیز برای همه منسوبین به آنها (پدران، مادران،



همسران، فرزندان، خویشان، همسایگان و نسل و ذریه مؤمن آنها تا پایان تاریخ)، توفیقاتی را مسئلت می‌کند.<sup>۱</sup> جامعیت بیان امام علیه السلام، دلیل گویایی است بر اینکه پیوستگی و اتصال مؤمنان به ادیان الهی یا خصوص مسلمانان، امری فرامکانی، فرازمانی، فراقومی، فراملی و فرامنطقه‌ای است. منشأ این اتصال ایمان مشترک به حقایق خاص و اشتراک در یک جهان بینی (نظامی از مبانی و مفروضات هستی‌شناختی)، و ایدئولوژی (نظامی از بایدها و نبایدهای ارزشی اعم از اخلاقی و فقهی)، متعالی و دارای خاستگاه وحیانی است. به بیان دیگر، این پیوند ریشه در تعلقات فطری و وجودشناختی دارد نه تقیدات قومی، جنسی، سنی، شغلی، تحصیلی، موقعیتی، طبقه‌ای؛ و تعینات زمانی، مکانی، تاریخی و جغرافیایی.

### ۳-۱- حقوق متقابل مؤمنان

از دید امام سجاد علیه السلام بنیادی ترین حق متقابل مؤمنان این است که به فکر هم باشند، به امورات و مصالح یک‌دیگر تعلق خاطر داشته باشند و برای موفقیت یک‌دیگر در پیش‌برد امور مادی و غیرمادی، فردی و اجتماعی و کسب مراتب تعالی و تقرب دعا کنند. امام در ضمن فراهای متعددی به مصادیق توفیقات و انتظارات آرزویی خود که قاعدتاً برای عموم مؤمنان، ارجحیت بلامنازع دارد، اشاره می‌کند.

از منظر امام علیه السلام، آرزوی قلبی و دعای خاضعانه هر مؤمن برای هم‌کیشان خود، موفقیت ایشان در تحقق و تأمین امور ذیل خواهد بود (یا باید باشد):

- در مقام ایمان ورزی از ثبات قدم، استواری و استحکام برخوردار باشند؛<sup>۲</sup>
- در عرصه اعتقاد و عمل از وسوسه‌های شیطانی در امان مانند؛<sup>۳</sup>

۱. «اللَّهُمَّ وَأَتَّبِعِ الرَّسُولَ وَمُصَدِّقُوهُمْ مِنْ أَهْلِ الْأَرْضِ بِالْغَيْبِ عِنْدَ مُعَارَضَةِ الْمُعَانِدِينَ لَهُمْ بِالْكَذِبِ وَالْإِشْتِياقِ إِلَى الْمُرْسَلِينَ بِحَقَائِقِ الْإِيمَانِ. اللَّهُمَّ وَأَوْصِلْ إِلَيَّ التَّابِعِينَ لَهُمْ بِإِحْسَانٍ، الَّذِينَ يَقُولُونَ: رَبَّنَا اغْفِرْ لَنَا وَلَا تُخَوِّبْنَا الْيَوْمَ سَبَقْنَا بِالْإِيمَانِ خَيْرَ جَزَائِكَ. اللَّهُمَّ وَصَلْ عَلَيَّ التَّابِعِينَ مِنْ يَوْمِنَا هَذَا إِلَى يَوْمِ الدِّينِ وَعَلَى أَرْوَاجِهِمْ وَعَلَى ذُرِّيَّاتِهِمْ وَعَلَى مَنْ أَطَاعَكَ مِنْهُمْ» (دعای ۴، فراز ۱، ۹، ۱۳)

۲. «اللَّهُمَّ وَاجْعَلْ آبَاءَنَا وَأُمَّهَاتِنَا وَأَوْلَادَنَا وَأَهْلِيْنَا وَذَوِي أَرْحَامِنَا وَقَرَابَاتِنَاوَ جِيرَاتِنَا مِنَ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ مِنْهُ فِي حَزْرٍ حَارِزٍ، وَحِصْنٍ حَافِظٍ، وَكَهْفٍ مَانِعٍ» (دعای ۱۷، فراز ۱۰).

۳. «اللَّهُمَّ... وَالْأَسْهُمُ مِنْهُ جُنَّتْنَا وَاقِيَةٌ، وَأَعْطِهِمْ عَلَيْهِ أَسْلِحَةً مَاصِيَةً» (دعای ۱۷، فراز ۱۰).

- از ابتلاء به بلایا و آسیب‌ها و عوامل تهدید کننده و خوف‌انگیز ایمنی یابند؛<sup>۱</sup> [یا همه عوامل تضعیف کننده ایمان و اعتقاد مؤمنان و موانع بهره‌گیری ایشان از آثار و برکات فردی و اجتماعی ایمان مذهبی در زیست جهان خود]؛
- زندگی و سلوک خود را بر پایه سنت، آیین، شریعت و راه و رسم پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و در پیروی و متابعت از وی، و مصاحبت اعتقادی و عملی با حضرتش و خاندان مکرم او [ائمه اطهار علیهم السلام] سامان دهند؛
- به تقویت و تعمیق روح امید (و اتکال) به خداوند، متقابلاً قطع امید به دیگران (عدم وابستگی ذهنی و عینی به دیگران)، توفیق یابند؛<sup>۲</sup> [که بالطبع از رهگذر ایمان ورزی، عبادت و بندگی مخلصانه، دوری و تحرز از گناه، مراقبت از خود در مقابل وسوسه‌ها و لغزش‌ها و احساس حضور مداوم در محضر خداوند حاصل می‌شود]؛
- به داشتن رغبت و اشتیاق انحصاری به خداوند (نیازخواهی و احساس وابستگی به او به جای دیگران)، توفیق یابند؛<sup>۳</sup> [که خود مرتبه‌ای از توحید فاعلی است. اعتقاد مؤمن این است که همه نعمت‌ها انحصاراً از آن خداوند است و آنچه دیگران در اختیار دارند، نیز حقیقتاً از آن اوست]؛
- به تقویت خوف و خشیت از خداوند (پروای خداوند داشتن)، در خود توفیق یابند؛<sup>۴</sup> [داشتن خوف و خشیت از خداوند نیز محصول درک مقام ربوبی و عظمت خالق هستی است؛ چه به فرموده قرآن: ﴿إِنَّمَا يَخْشَى اللَّهَ مِنْ عِبَادِهِ الْعُلَمَاءُ إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ غَفُورٌ﴾ (فاطر/۲۸). تنها بندگان عالم، از خداوند، خشیت دارند البته خدا عزیز و توانا و بسیار بخشنده گناهان است]؛
- 
۱. «اللَّهُمَّ وَأَعِدْنَا وَأَهْلِيْنَا وَإِخْوَانَنَا وَجَمِيعَ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ مِمَّا اسْتَعَدْنَا مِنْهُ، وَأَجِرْنَا مِمَّا اسْتَجَرْنَا بِكَ مِنْ خَوْفِهِ» (دعای ۱۷، فراز ۱۵).
  ۲. «وَأَحْبَبْنَا عَلَى سُنَّتِهِ، وَتَوَقَّأْنَا عَلَى مِلَّتِهِ وَخُذْ بِنَا مِنْهَا حَقَّهُ، وَأَسْأَلُكَ بِنَا سَبِيلَهُ، وَاجْعَلْنَا مِنْ أَهْلِ طَاعَتِهِ، وَاحْشُرْنَا فِي رُؤْمَرَتِهِ، وَأُورِدْنَا حَوْضَهُ، وَاشْقِنَا بِكَاسِهِ» (دعای ۴۲، فراز ۲۰).
  ۳. «وَتَبِعْتُهُمْ بِهَا عَلَى اعْتِقَادِ حَسَنِ الرَّجَاءِ لَكَ، وَالطَّمَعِ فِيمَا عِنْدَكَ وَتَرْكِ التَّهْمَةِ فِيمَا تَحْوِيهِ أَيْدِي الْعِبَادِ» (دعای ۴، فراز ۱۵).
  ۴. «لِيَتَرَدَّهُمْ إِلَى الرَّغْبَةِ إِلَيْكَ وَالرَّهْبَةِ مِنْكَ، وَتَرْهَدَهُمْ فِي سَعَةِ الْعَاجِلِ، وَتَحَبِّبَ إِلَيْهِمُ الْعَمَلَ لِلْآجِلِ، وَالْإِسْتِعْدَادَ لِمَا بَعْدَ الْمَوْتِ» (دعای ۴، فراز ۱۶).
  ۵. «لِيَتَرَدَّهُمْ إِلَى الرَّغْبَةِ إِلَيْكَ وَالرَّهْبَةِ مِنْكَ» (دعای ۴، فراز ۱۶).

- از نافرمانی خداوند [و هرگونه لغزش و انحراف] بدورمانند؛<sup>۱</sup>
- انس و ارتباط روحی و معنوی و تعلق خاطر به اولیای الهی، بندگان صالح و مؤمنان برگزیده<sup>۲</sup> اطاعت پیشگان، عبادت کنندگان و تعالی جویان<sup>۳</sup> و کسانی که به راه ایمان و به رشد و صلاح دعوت می کنند<sup>۴</sup>، را عمیقاً پیشه خود سازند؛
- به بودن و زیستن در زمرة هدایت یافته گان، تقوا پیشگان، صالحان و رستگاران<sup>۵</sup> توفیق یابند؛ و در فراز دیگر، توفیق بودن و زیستن در زمرة مؤمنان موحد، ایمان آورندگان به خدا، رسول ﷺ و ائمه اطهار علیهم السلام [جماعت مسلمین]<sup>۶</sup>، اطاعت پیشگان، مقربان و خاصان درگاه حق تعالی، استغفار کنندگان و تائبان، وفا کنندگان به عهد و میثاق الهی و طالبان رضایت و خشنودی خداوند<sup>۷</sup> مسئلت شده است؛
- به برخورداری از خوی های پسندیده نیکان، عابدان و شب زنده داران، هدایت یافتگان در پرتو نور قرآن، عاملان به وظایف و پرواپیشگان از هواخواهی و اقتدای به ایشان<sup>۸</sup> توفیق یابند؛
- به مصاحبت با مؤمنان نیکو خصال و نیکو کردار و امداد ایشان توفیق یابند؛<sup>۹</sup>

۱. «وَتَوَلَّيْنِي بِمَا تَوَلَّيْتُ بِهِ أَهْلَ طَاعَتِكَ وَالرُّؤْفَى لَدَيْكَ وَالْمَكَانَةَ مِنْكَ» (دعای ۴۷، فراز ۸۷).
۲. «وَهَبْ لِي الْأُنْسَ بِكَ وَبِأَوْلِيَائِكَ وَأَهْلَ طَاعَتِكَ اجْعَلْ سُكُونَ قَلْبِي وَأُنْسَ نَفْسِي وَاسْتِغْنَائِي وَكِفَايَتِي بِكَ وَبِخِيَارِ خَلْقِكَ» (دعای ۲۱، فراز ۱۱ و ۱۲)
۳. «وَأَخَذُ بِقَلْبِي إِلَى مَا اسْتَعْمَلْتُ بِهِ الْقَائِمِينَ، وَاسْتَعْبَدْتُ بِهِ الْمُتَعَبِّدِينَ، وَاسْتَفْتَدْتُ بِهِ الْمُتَهَوِّدِينَ» (دعای ۴۷، فراز ۹۲).
۴. «وَوَقَّفَنِي لَطَاعَةَ مَنْ سَدَّدَنِي، وَمُتَابَعَةَ مَنْ أَرَشَدَنِي» (دعای ۲۰، فراز ۸).
۵. «وَاطْمَئِنِّي فِي أَصْحَابِ الْيَمِينِ، وَوَجِّهْنِي فِي مَسَالِكِ الْآمِنِينَ، وَاجْعَلْنِي فِي فَوْجِ الْفَائِزِينَ، وَاعْمُرْنِي مَجَالِسَ الصَّالِحِينَ» (دعای ۴۱، فراز ۴).
۶. «اللَّهُمَّ وَاجْعَلْنِي مِنْ أَهْلِ التَّوْحِيدِ وَالْإِيمَانِ بِكَ، وَالتَّصَدِيقِ بِرَسُولِكَ، وَالْأَيْمَةِ الَّذِينَ حَتَمَتْ طَاعَتَهُمْ مِمَّنْ يَجْرِي ذَلِكَ بِهِ وَعَلَى يَدَيْهِ» (دعای ۴۸، فراز ۱۲).
۷. «وَتَعَمَّمْنِي فِي يَوْمِي هَذَا بِمَا تَعَمَّمْتُ بِهِ مَنْ جَارَ إِلَيْكَ مُتَّصِلًا، وَعَادًا بِاسْتِغْفَارِكَ تَائِبًا وَتَوَلَّيْتُ بِمَا تَوَلَّيْتُ بِهِ أَهْلَ طَاعَتِكَ وَالرُّؤْفَى لَدَيْكَ وَالْمَكَانَةَ مِنْكَ. وَتَوَحَّدْنِي بِمَا تَوَحَّدَ بِهِ مَنْ وَفَى بِعَهْدِكَ، وَأَتَعَبَ نَفْسَهُ فِي ذَاتِكَ، وَأَجْهَدَهَا فِي مَرْضَاتِكَ» (دعای ۴۷، فراز ۸۶-۸۸).
۸. «اللَّهُمَّ... وَهَبْ لَنَا حُسْنَ سَمَائِلِ الْأَبْرَارِ، وَأَقِفْ بِنَا آثَارَ الَّذِينَ قَامُوا لَكَ بِهِ آتَاءَ اللَّيْلِ وَأَطْرَافِ النَّهَارِ حَتَّى نَطْهَرَنَا مِنْ كُلِّ دَنَسٍ يَطْهِيْرُهُ، وَتَقْفُو بِنَا آثَارَ الَّذِينَ اسْتَضَاءُوا بِنُورِهِ، وَلَمْ يُلْهِهِمُ الْأَمَلُ عَنِ الْعَمَلِ فَيَقْطَعَهُمْ بِخُدَعِ غُرُورِهِ» (دعای ۴۲، فراز ۹).
۹. «اللَّهُمَّ وَاجْعَلْنِي لَهُمْ قَرِينًا، وَاجْعَلْنِي لَهُمْ نَصِيرًا» (دعای ۲۱، فراز ۱۳).

- به مؤمنان و خاضعان درگاه حق، محبت قلبی داشته باشند؛<sup>۱</sup>
- از طریق مشارکت در پیش‌برد برنامه‌ها و اهداف دین، به نصرت و یاری رسول اکرم ﷺ توفیق یابند؛<sup>۲</sup> [پای‌بندی قاطع به اسلام و تلاش مستمر در نشر و ترویج نظری و عملی تعالیم و آموزه‌ها و تحقق اهداف و آرمان‌های متعالی آن در حد امکان]؛
- به انجام نیکی‌ها، خیرات و صالحات توفیق یابند؛ و در فراز دیگر، به سامان دهی امور بر پایه تقوا و فضیلت و اصلاح حال و روز و اوضاع و احوال توفیق یابند؛<sup>۳</sup>
- آحاد مؤمنین از کسب محبوبیت متقابل در قلوب یک‌دیگر برخوردار شوند؛<sup>۴</sup>
- آحاد مؤمنین از زندگی گوارا و آسوده برخوردار باشند؛<sup>۵</sup> [که بخشی از آن از طریق داشتن محبوبیت و اعتبار در جامعه حاصل می‌شود. بدیهی است که داشتن محبوبیت قلبی در میان مؤمنان هم به نیاز روانی و اجتماعی افراد پاسخ می‌گوید؛ علاوه که داشتن چنین موقعیتی، بالقوه آثار تربیتی و اجتماعی فراوانی به همراه دارد. از سوی دیگر، جامعه‌ای که در آن افراد فارغ از حب و بغض‌های صوری و منفعت طلبانه، و صرفاً به دلیل برخورداری از ملاک‌های اعتقادی و ارزشی محبوبیت داشته باشند، جامعه‌ای سالم و دین‌پسند است که نقش ایجابی و مثبتی در رشد و تعالی اعضا دارد]؛
- در زدودن کینه‌ها نسبت به سایر مؤمنان توفیق یابند؛<sup>۶</sup> [که بخشی از آن به مجاهدت شخصی و بخشی به عنایت خداوند بستگی دارد]؛
- از آزار و اذیت یک‌دیگر و سایرین به دور مانند؛<sup>۷</sup> [از جمله حقوق متقابل مؤمنان و مسئولیت اجتماعی ایشان در برابر یک‌دیگر این است که به هیچ وجه به ناحق

۱. «وَاعْظِفْ بِقَلْبِي عَلَى الْخَاشِعِينَ» (دعای ۴۷، فراز ۱۲۷).

۲. «اللَّهُمَّ وَاجْعَلْنِي لَهُمْ قَرِينًا، وَاجْعَلْنِي لَهُمْ نَصِيرًا» (دعای ۲۱، فراز ۱۳).

۳. «وَاجْمَعْ عَلَى التَّقْوَى أَمْرَهُمْ، وَأَصْلِحْ لَهُمْ شُؤْنَهُمْ، وَاجْعَلْنَا مَعَهُمْ فِي دَارِ السَّلَامِ» (دعای ۴۷، فراز ۶۵).

۴. «وَاجْعَلْ لَنَا فِي صُدُورِ الْمُؤْمِنِينَ وُدًّا» (دعای ۴۲، فراز ۱۶).

۵. «وَلَا تَجْعَلِ الْحَيَاةَ عَلَيْنَا نَكْدًا» (دعای ۴۲، فراز ۱۶).

۶. «وَإِنزِعِ الْعُلَّ مِنْ صُدُورِ الْمُؤْمِنِينَ» (دعای ۴۷، فراز ۱۲۷).

۷. «اللَّهُمَّ وَامْتَعْنِي عَنْ أَدَى كُلِّ مُؤْمِنٍ وَمُؤْمِنَةٍ، وَمُسْلِمٍ وَمُسْلِمَةٍ» (دعای ۳۹، فراز ۱).

- موجبات اذیت و آزار و خسارت و اضرار مادی و معنوی یک‌دیگر را فراهم نسازند و درمقابل آزار و اذیت دیگران، از یک‌دیگر حمایت و دفاع کنند]؛
- از اعتبار و احترام فزاینده در میان معاصران خود برخوردار شوند؛<sup>۱</sup> [بدیهی است که این امتیاز به واسطه نقش آفرینی مثبت و مشارکت فعال در رشد و تعالی جامعه مؤمنان، و ارائه خدمات انسانی حاصل شدنی است]؛
- نام نیکی از خود در میان آیندگان برجای گذارند؛<sup>۲</sup> [این امتیاز نیز به واسطه ایمان ورزی، اعمال نیک، خدمات نوع دوستانه، میراث معنوی و باقیات صالحات حاصل شدنی است]؛
- از انعامات ویژه خداوند در دنیا و آخرت برخوردار و متنعم شوند؛<sup>۳</sup>
- از خوشی‌ها و لذات زودگذر این جهانی، انصراف توجه و بی‌علاقگی نشان دهند؛<sup>۴</sup>
- در کسب آمادگی هر چه بیشتر برای وصول به سعادت اخروی، موفق گردند؛<sup>۵</sup> [دعایی عام که بالتبع ناظر به اصلاح امور این جهانی اعم از فردی و اجتماعی، مادی و غیر مادی، دینی و عرفی به‌عنوان مقدمه جهان آخرت است]؛
- مراحل انتقال آنها از این جهان، و ورود به عرصه قیامت [معافیت یا تخفیف سکرات موت]، و وصول به جایگاه امن و آسایش اخروی به آسانی طی شود؛<sup>۶</sup> [توجه ضمنی به اینکه نوع زیستن ما در این جهان پیامدهایی دارد و همه مؤمنان و بلکه همه انسان‌ها، این انتقال قهری را یک‌سان به انجام نمی‌رسانند. درجه آلودگی و انحرافات اعتقادی و رفتاری افراد و به‌طور کلی، نوع زیستن آنها در این جهان،
- 
۱. «وَذَكِّرْهُ نَامِيًا فِي الْآخِرِينَ» (دعای ۴۷، فراز ۱۲۷).
  ۲. «وَاجْعَلْ لِي لِسَانَ صِدْقٍ فِي الْآخِرِينَ» (دعای ۴۷، فراز ۱۲۷).
  ۳. «اللَّهُمَّ وَأَعْطِ جَمِيعَ الْمُسْلِمِينَ وَالْمُسْلِمَاتِ وَالْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ مِثْلَ الَّذِي سَأَلْتُكَ لِنَفْسِي وَلِوَلَدِي فِي عَاجِلِ الدُّنْيَا وَآجِلِ الْآخِرَةِ» (دعای ۲۵، فراز ۱۲).
  ۴. «وَتَرَهَّدَهُمْ فِي سَعَةِ الْعَاجِلِ، وَتُحِبِّبِ إِلَيْهِمُ الْعَمَلَ لِلْآجِلِ، وَالْإِسْتِعْدَادَ لِمَا بَعْدَ الْمَوْتِ» (دعای ۴، فراز ۱۶).
  ۵. «وَتَعَمَّدَنِي فِي يَوْمِي هَذَا بِمَا تَعَمَّدَ بِهِ مَنْ جَارَ إِلَيْكَ مُتَّصِلًا، وَعَادًا بِإِسْتِعْفَارِكَ تَانِيًا» (دعای ۴۷، فراز ۸۶).
  ۶. «وَتُحِبِّبِ إِلَيْهِمُ الْعَمَلَ لِلْآجِلِ، وَالْإِسْتِعْدَادَ لِمَا بَعْدَ الْمَوْتِ وَتُهَوِّنَ عَلَيْهِمْ كُلَّ كَرْبٍ يَجِلُّ بِهِمْ يَوْمَ خُرُوجِ الْأَنْفُسِ مِنْ أَبْدَانِهَا وَتُعَافِيهِمْ مِمَّا نَفَعُ بِهِ الْفِتْنَةُ مِنْ مُحْدُورَاتِهَا، وَكِبَّةِ النَّارِ وَطُولِ الْخُلُودِ فِيهَا وَتُصَيِّرُهُمْ إِلَيَّ أَمِنِينَ مِنْ مَقِيلِ الْمُتَّقِينَ» (دعای ۴، فرازهای ۱۹-۱۶).

- از پاداش‌های اخروی ویژه برخوردار شوند؛ [که بالطبع این نتیجه، از رهگذر داشتن زندگی سعادت‌مند و حیات طیب این جهانی حاصل خواهد شد]؛
- به همراهی و هم‌نشینی با یک‌دیگر در جهان آخرت<sup>۲</sup> و ملحق شدن به پیش کسوتان خود [از اهل ایمان]<sup>۳</sup> توفیق یابند.

### مؤمنان مشمول این ادعیه

- امام سجاده علیه السلام در برخی فرازاها، مؤمنان مشمول این ادعیه را با ذکر ویژگی‌های اعتقادی و عملی توصیف می‌کنند:
- کسانی که رهرو راه رسولان الهی و دنبال‌کننده اهداف و آرمان‌های آنها بوده [و هستند]، و بر سیرت و طریقت ایشان زندگی کرده [و می‌کنند]؛ یعنی به دین آنها ایمان آورده و تدین ورزیدند، به هدایت آنها مهتدی شدند، در مسیر سلوک، با آنها همراهی و هم‌آوایی کردند؛<sup>۴</sup>
  - کسانی که در بینش و بصیرت مؤمنانه خویش و پیروی قاطع از آثار و نشانه‌های تابناک رسولان الهی و اهتداء و اقتداء به ایشان، دچار شک و تردید و إعوجاجات اعتقادی و عملی نشده [و نمی‌شوند]، و در صحت تمسک به میراث آنها، خرده‌گیری و مناقشه نکردند؛<sup>۵</sup>
  - کسانی که از سیره و طریق رسولان الهی، پشتیبانی و حمایت کردند؛<sup>۶</sup>
- امام علیه السلام همچنین در برخی فرازاها، بعد از طلب رحمت و رضوان الهی برای اصحاب

۱. «اللَّهُمَّ تَجَاوَزْ عَنْ أَهْلِ دِينِنَا جَمِيعاً مَنْ سَلَفَ مِنْهُمْ وَمَنْ عَبَّرَ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ» (دعای ۴۵، فراز ۵۵).
۲. «وَسَلِّمْ عَلَيْهِمْ وَعَلَىٰ أَرْوَاحِهِمْ، وَاجْمَعْ عَلَيَّ التَّقْوَىٰ أَمْرَهُمْ، وَأَصْلِحْ لَهُمْ شُؤْنَهُمْ، وَاجْعَلْنَا مَعَهُمْ فِي دَارِ السَّلَامِ» (دعای ۴۷، فراز ۶۵).
۳. «وَوَافِ بِي عَزْصَةَ الْأَوْلِيَيْنِ» (دعای ۴۷، فراز ۱۲۷).
۴. «الَّذِينَ قَصَدُوا سَمَنَّهُمْ، وَتَحَرَّوْا وَجْهَتَهُمْ، وَمَصَّوْا عَلَيَّ شَاكِلَتِهِمْ» (دعای ۴، فراز ۱۰-۱۲).
۵. «لَمْ يَنْتَهُمْ رَبِّبٌ فِي بَصِيرَتِهِمْ، وَلَمْ يَخْتَلِجْهُمْ شَكٌّ فِي قَفْوِ آثَارِهِمْ، وَالْإِتِّمَامَ بِهِدَايَةِ مَنْارِهِمْ» (دعای ۴، فراز ۱۱).
۶. «مُكَانِفِينَ وَمَوَازِينَ لَهُمْ، يَدِينُونَ بِدِينِهِمْ، وَيَهْتَدُونَ بِهَدْيِهِمْ، يَتَّقُونَ عَلَيْهِمْ، وَلَا يَنْتَهُمُونَهُمْ فِيمَا أَدَّوْا إِلَيْهِمْ» (دعای ۴، فراز ۱۲).

پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، به بیان اوصاف اعتقادی و رفتاری مشمولان دعای خود پرداخته است. اوصافی همچون: مصاحبت نیکو با حضرتش صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، تلاش وافر در یاری و مساعدت، سبقت جستن در اجابت و پذیرش دعوتش، هجرت گزیدن از شهر و دیار (هجرت از مکه به مدینه)، برای آشکار ساختن دعوتش، مجاهدت و مبارزه با پدران و فرزندان کافرکیش خود با هدف بسط و استقرار رسالتش، ذوب شدن در عشق و ولای حضرتش، فاصله گرفتن از خاندان و قبیله غیر مؤمن خود به دلیل اعتصام به ریسمان ولایتش، مشارکت در ترغیب مردم به دین داری و پذیرش دعوتش، تلاش خستگی ناپذیر در اعزاز دین خدا همراه با تحمل مصائب سخت و توان فرسا؛<sup>۱</sup>

امام عَلَيْهِ السَّلَام همچنین، در برخی فرازها، پیروان و محبان واقعی پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و اهل بیت مکرّم ایشان، با اوصاف ذیل را مشمول دروذهای صمیمانه، خالصانه و مکرر خود در هر بامداد و شامگاه قرار داده است:

اعتراف کنندگان به مقام و منزلتشان؛ تبعیت کنندگان از منهج و روششان؛ تعقیب کنندگان آثار و نشانه‌هایشان؛ دل‌دادگان به رشته محبتشان؛ متمسکان به ریسمان ولایتشان؛ پذیرندگان امامت و پیشوایشان؛ تبعیت کنندگان از فرامینشان؛ فعالان در اطاعت و پیرویشان؛ منتظران ظهور دولتشان (در عصر غیبت)، امیدواران به دریافت عنایتشان.<sup>۲</sup>

۱. «اللَّهُمَّ وَأَصْحَابُ مُحَمَّدٍ خَاصَّةً الَّذِينَ أَحْسَنُوا الصَّحَابَةَ وَالَّذِينَ أَبْلَوْا الْبَلَاءَ الْحَسَنَ فِي نَصْرِهِ، وَكَانَفُوهُ، وَأَسْرَعُوا إِلَى وَقَادَتِهِ، وَسَابَقُوا إِلَى دَعْوَتِهِ، وَاسْتَجَابُوا لَهُ حَيْثُ أَسْمَعَهُمْ حُجَّةَ رِسَالَتِهِ. وَقَارَفُوا الْأَرْوَاحَ وَالْأَوْلَادَ فِي إِظْهَارِ كَلِمَتِهِ، وَقَاتَلُوا الْأَجْبَاءَ وَالْأَبْنَاءَ فِي تَشْيِيبِ بُيُوتِهِ، وَانْتَصَرُوا بِهِ. وَمَنْ كَانُوا مُنْطَوِينَ عَلَى مَجْتَهَةِ بَرَجُونَ تِجَارَةً لَنْ يَكُونُوا فِي مَوَدَّتِهِ. وَالَّذِينَ هَجَرْتَهُمُ الْعَسَائِرُ إِذْ تَلَقَّوْا بِعُرْوَتِهِ، وَانْتَفَتْ مِنْهُمْ الْقَرَابَاتُ إِذْ سَكَنُوا فِي ظِلِّ قَرَابَتِهِ. فَلَا تَنْسَ لَهُمُ اللَّهُمَّ مَا تَرَكُوا لَكَ وَفِيكَ، وَأَرْضِهِمْ مِنْ رِضْوَانِكَ، وَبِمَا حَاشَا الْخَلْقَ عَلَيْكَ، وَكَانُوا مَعَ رَسُولِكَ دُعَاةً لَكَ إِلَيْكَ. وَأَشْكُرُهُمْ عَلَى هَجْرِهِمْ فِيكَ دِينَارَ قَوْمِهِمْ، وَخُرُوجِهِمْ مِنْ سَعَةِ الْمَعَاشِ إِلَى ضَيْقِهِ، وَمَنْ كَثُرَتْ فِي إِعْزَازِ دِينِكَ مِنْ مَظْلُومِهِمْ» (دعای ۴، فرازهای ۳-۸).

۲. «اللَّهُمَّ وَصَلِّ عَلَى أَوْلِيَائِهِمُ الْمُعْتَرِفِينَ بِمَقَامِهِمْ، الْمُتَّبِعِينَ مِنْهُمْ هَجْرَهُمْ، الْمُقْتَفِينَ آثَارَهُمْ، الْمُسْتَمْسِكِينَ بِعُرْوَتِهِمْ، الْمُتَمَسِّكِينَ بِوَلَايَتِهِمْ، الْمُؤْتَمِنِينَ بِإِمَامَتِهِمْ، الْمُسْلِمِينَ لِأَمْرِهِمْ، الْمُجْتَهِدِينَ فِي طَاعَتِهِمْ، الْمُتَنْظِرِينَ أَيَّامُهُمْ، الْمَادِّينَ إِلَيْهِمْ أَعْيُنَهُمْ، الصَّلَوَاتِ الْمُبَارَكَاتِ الرَّاكَيَاتِ النَّامِيَاتِ الْعَادِيَاتِ الرَّائِحَاتِ» (دعای ۴۷، فراز ۶۴).

### ۲-۳- حقوق و تکالیف متقابل والدین و فرزندان

قرآن کریم در آیات متعدد به رعایت حقوق و تکالیف متقابل به‌ویژه در شبکه‌های خانوادگی و خویشاوندی توصیه‌های مؤکد فرموده است.

رابطه والدین و فرزندان نه براساس عدل که براساس احسان تنظیم شده است؛ زیرا اساس عدل و قسط بر این است که دو نفر یا بیش‌تر با هم روابط متقابل، و در نتیجه حقوق و تکالیف متقابل داشته باشند. بدیهی است که چنین رابطه و پیوندی میان والدین و فرزندان برقرار نیست. به بیان دیگر، رابطه فرزند با پدر و مادر، نوعی رابطه ویژه و نمایان‌گر وابستگی وجودی فرزند به آنها است. از این رو، قرآن کریم، احسان به پدر و مادر را توصیه کرده و آن را ملاک ارزش، در رابطه فرزند با والدین خود قرار داده است. برای نمونه، در آیه ۳۶ سوره نساء به دنبال امر به پرستش خدا و نهی از شرک، بلافاصله احسان به والدین را توصیه می‌کند و این، اهمیت فوق‌العاده حقوق والدین بر فرزند را نشان می‌دهد. و در برخی آیات (لقمان/۱۴)، امر به شکر خدا و شکر والدین را با یک فعل ذکر کرده که این خود بیش از پیش اهمیت حقوق والدین را نشان می‌دهد. آیه همچنین در ادامه فراتر از حقوق والدین، به حق ویژه مادر و زحماتی که در دوران بارداری، شیردهی و پرورش فرزند تحمل می‌کند، توجه داده است. بدیهی است که تعبیر به احسان، به دلیل اطلاق، همه انواع آن را شامل می‌گردد. در برخی آیات به مصادیق خاصی از آن همچون احسان مالی (بقره/۱۸۰)، و در برخی به احسان گفتاری و رفتاری (اسراء/۲۳ و ۲۴)، سفارش شده است (مصباح یزدی، ۱۳۷۸: ۵۶/۳-۶۳).

علامه طباطبایی نیز در توضیح احسان و عاق والدین می‌نویسد: قرآن کریم در چند جا احسان به پدر و مادر را در ردیف توحید و ترک شرک قرار داده و هر جا به آن امر کرده قبلاً به توحید و ترک شرک امر کرده است. این خود بهترین دلیل است بر اینکه عاق والدین بعد از شرک به خدای بزرگ در شمار بزرگ‌ترین گناهان، و یا خود بزرگترین آنهاست. اعتبار عقلی نیز مؤید این معناست؛ برای اینکه جامعه انسانی که هرگز انسان نمی‌تواند بدون آن زندگی و تدین داشته باشد امری است اعتباری و قراردادی که در حدوث و بقای خود بستگی به محبت نسل دارد، و سرچشمه محبت نسل نیز رابطه و علاقه‌ای است که در بین ارحام رد و بدل می‌شود، و معلوم است که



مرکز این رابطه خانواده است و قوام خانواده از یک طرف به پدر و مادر و از طرفی دیگر به فرزندان است. فرزندان موقعی احتیاج به رحمت و رأفت پدر و مادر دارند که پدر و مادر طبعاً مشتاق اولاد و شیفته پرورش آنانند، به خلاف پدر و مادر که احتیاجشان به فرزندان، موقعی است که پیری آنها را عاجز و زبون ساخته و از اینکه مستقلاً به ضروریات زندگی خود قیام کنند، بازشان داشته است. در چنین روزهایی جفای اولاد نسبت به آنان و متعارف شدن این جفاکاری در میان همه فرزندان نسبت به همه پدران و مادران باعث می‌شود تا عواطف تولید و تربیت به کلی از جامعه رخ بر بسته و کسی رغبت به تناسل و تربیت فرزند نکند. پر واضح است که چنین جامعه‌ای به سرعت رو به انقراض گذاشته و دیگر هیچ قانون و سنتی فساد روی آورده را جبران نمی‌کند، و سعادت دنیا و آخرت از آنان سلب می‌شود (طباطبائی، ۱۳۶۳: ۵۱۵/۷).

والدین علاوه بر حقوقی که تحت عنوان احسان، بدان‌ها توصیه شده، به تکالیف سنگینی نیز در برابر فرزندان مکلف شده‌اند و متقابلاً فرزندان نیز علاوه بر تکلیف به ادای حقوق والدین، حقوقی دارند که والدین باید در حد امکان در راستای تأمین آن تلاش کنند. رابطه متقابل حق و تکلیف، در صورت رعایت دقیق، به تحکیم و تقویت پیوند طبیعی میان والدین و فرزندان کمک می‌کند. نظام اجتماعی مطلوب، باید علاوه بر آموزش این حقوق و تکالیف، در خصوص کیفیت و نحوه اجرایی شدن آنها نیز راه کارهای مناسب را تمهید کند.

امام سجاد علیه السلام در دعای بیست و چهارم صحیفه مشخفاً به حقوق و تکالیف متقابل والدین و فرزندان به زبان دعا توجه داده‌اند.

### ۳-۲-۱- تکالیف والدین و حقوق فرزندان

امام علیه السلام در فرازهایی والدین را به ادای حقوق فرزندان و انجام تکالیف خود در برابر ایشان توصیه و ترغیب فرموده‌اند. از آن جمله:

- [زمینه‌های لازم] برای حفظ و بقای فرزندان، شکوفایی استعدادها و ظرفیت‌های آنها و امکان بهره‌گیری خود از آثار وجودی فرزندان را فراهم سازند؛<sup>۱</sup>

۱. «اللَّهُمَّ وَمَنْ عَلَى بِنَاءِ وُلْدِي وَيَا صِلَا حَيْثُمْ لِي وَيَا مَتَاعِي بِهِمْ» (دعای ۲۵، فراز ۱).

- [زمینه‌های لازم] برای طولانی شدن عمر فرزندان، افزایش موفقیت آنها در پرورش و تربیت اولادشان (نوه‌ها)، سلامت جسم و روحشان (درمقابل عوارض مختلف)، تقویت جسم و تعالی روحشان، سلامت دین و اخلاقشان، فراوانی و پیوستگی روزی و معیشتشان را فراهم سازند؛<sup>۱</sup>
- [زمینه‌های لازم] برای موفقیت خود در پرورش، تربیت و مهرورزی به فرزندان، و افزایش کمی آنها (به‌ویژه اولاد ذکور) را فراهم آورند؛<sup>۲</sup>
- [زمینه‌های لازم] برای سوق دهی فرزندان در مسیر نیکوکاری، کسب تقوا و فضیلت، بصیرت ورزی [و بصیرت افزایی]، پندپذیری [و عبرت آموزی]، اطاعت و بندگی خداوند، دوستی با دوستان خدا و نیکی بدان‌ها، دشمنی با دشمنان خدا و کینه ورزی بدان‌ها را تمهید کنند؛<sup>۳</sup>
- [زمینه‌های لازم] برای موفقیت فرزندان در تبدیل شدن آنها به موجوداتی پرخیر و برکت و مفید به حال والدین [و جامعه] را فراهم سازند؛<sup>۴</sup>
- [زمینه‌های لازم] برای مصونیت فرزندان از نفوذ و گزند شیطان/شیاطین را تمهیدکنند؛<sup>۵</sup>
- [زمینه‌های لازم] برای موفقیت کامل فرزندان در دنیا و آخرت [در ساحت‌های مختلف زندگی] را تدارک بینند.

۱. «الَّهِی ائِدِدْ لِي فِي اَعْمَارِهِمْ، وَزِدْ لِي فِي اَجَالِهِمْ، وَرَبِّ لِي صَغِيرَهُمْ، وَقَوِّ لِي صَعِيْفَهُمْ، وَاصْحَ لِي اَبْدَانَهُمْ وَادْبَانَهُمْ وَاخْلَاقَهُمْ، وَعَافِيَهُمْ فِي اَنْفُسِهِمْ وَفِي جَوَارِحِهِمْ وَفِي كُلِّ مَا عُنِيَتْ بِهِ مِنْ اَمْرِهِمْ، وَادْرِزْ لِي وَعَلَى يَدِي اَرْزَاقَهُمْ» (دعای ۲۵، فراز ۲).
۲. «وَأَعِنِّي عَلَى تَرْبِيَّتِهِمْ وَتَأْدِيْبِهِمْ، وَبِرِّهِمْ، وَهَبْ لِي مِنْ لَدُنْكَ مَعَهُمْ اَوْلَادًا ذُكُورًا، وَاجْعَلْ ذَٰلِكَ خَيْرًا لِي، وَاجْعَلْهُمْ لِي عَوْنًا عَلَيَّ مَا سَأَلْتُكَ» (دعای ۲۵، فراز ۵).
۳. «وَاجْعَلْهُمْ اَبْرَارًا اَتْقِيَاءَ بَصْرَاءَ سَامِعِينَ مُطِيعِينَ لَكَ، وَلاَ وِلِيَاءَكَ مُجِبِّينَ مُتَاصِحِينَ، وَاجْمَعِ اَعْدَانِكَ مُعَانِدِينَ وَمُبْغِضِينَ، اٰمِيْنَ» (دعای ۲۵، فراز ۳).
۴. «وَأَعِنِّي عَلَى تَرْبِيَّتِهِمْ وَتَأْدِيْبِهِمْ، وَبِرِّهِمْ، وَهَبْ لِي مِنْ لَدُنْكَ مَعَهُمْ اَوْلَادًا ذُكُورًا، وَاجْعَلْ ذَٰلِكَ خَيْرًا لِي، وَاجْعَلْهُمْ لِي عَوْنًا عَلَيَّ مَا سَأَلْتُكَ» (دعای ۲۵، فراز ۵).
۵. «وَأَعِدْنِي وَذَرِّيَّتِي مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ» (دعای ۲۵، فراز ۶).
۶. «اللَّهُمَّ اَعْطِنَا جَمِيْعَ ذَٰلِكَ بِتَوْفِيْقِكَ وَرَحْمَتِكَ... لِتَنْفُسِي وَلِوَلَدِي فِي عَاجِلِ الدُّنْيَا وَآجِلِ الْاٰخِرَةِ» (دعای ۲۵، فراز ۱۲).

### ۳-۲-۲- تکالیف فرزند و حقوق والدین

- به برتری حقوق والدین و ناتوانی خود در ادای آنها [آن گونه که باید یا انتظار می‌رود]، اذعان و اعتراف کند؛<sup>۱</sup>
- از اینکه مبدا حقوق آنها تضییع شده و مورد بی توجهی قرار گیرد، مواظبت و مراقبت کند؛<sup>۲</sup>
- حقوق ایشان بر خود را در مقایسه با حقوق خود بر آنها برتر و بزرگ‌تر شمارد؛<sup>۳</sup>
- با آنها از روی تفضل و احسان [نه عدل و انصاف = تعامل پایاپای] تعامل کند؛<sup>۴</sup>
- جهت ادای هر چه بهتر حقوق آنها [= انجام وظایف و تکالیف شناخته شده] از خداوند طلب توفیق کند؛<sup>۵</sup>
- جهت ادای حقوق آنها [= انجام وظایف و تکالیف شناخته شده] و عدم سستی و تعلل در این خصوص از خداوند آمادگی روحی و جسمی مسئلت کند؛<sup>۶</sup>
- نسبت به عظمت مقام آنها [و اینکه مبدا از ایشان تمرد و از ادای حقوقشان سرپیچی کند] همواره نگران و بیم و هراس داشته باشد؛<sup>۷</sup>
- برای فرمان‌برداری مشتاقانه از آنها و انجام نیکی در حق ایشان [بدون احساس اکراه و اجبار] کسب آمادگی کند؛<sup>۸</sup>

۱. «فَهُمَا أَوْجِبَ حَقًّا عَلَيَّ، وَأَقْدَمَ إِحْسَانًا إِلَيَّ، وَأَعْظَمَ مِنِّي لَدَيَّ مِنْ أَنْ أَقَاصَهُمَا بَعْدِلٍ، أَوْ أَجَازِيَهُمَا عَلَيَّ مِثْلَ، أَيْنَ إِذَا- يَا إِلَهِي - طَوْلَ سُلَيْمًا بِتَرْبِيَّتِي! وَأَيْنَ شِدَّةَ تَعْبِيَهُمَا فِي حِرَاسَتِي! وَأَيْنَ إِفْتَارَهُمَا عَلَيَّ أَنْفُسَهُمَا لِلتَّوَسُّعَةِ عَلَيَّ!» (دعای ۲۴، فراز ۱۰).
۲. «هَيَّهَاتَ مَا يَسْتَوْفِيَانِ مِنِّي حَقَّهُمَا، وَلَا أُدْرِكُ مَا يَجِبُ عَلَيَّ لَهُمَا، وَلَا أَنَا بِقَاضٍ وَظِيْفَةَ خِدْمَتِيَهُمَا... وَلَا تَجْعَلْنِي فِي أَهْلِ الْعُقُوقِ لِلْأَبَاءِ وَالْأُمَّهَاتِ» (دعای ۲۴، فراز ۱۱).
۳. «أَيْنَ إِذَا طَوْلَ سُلَيْمًا بِتَرْبِيَّتِي! وَأَيْنَ شِدَّةَ تَعْبِيَهُمَا فِي حِرَاسَتِي! وَأَيْنَ إِفْتَارَهُمَا عَلَيَّ أَنْفُسَهُمَا لِلتَّوَسُّعَةِ عَلَيَّ!» (دعای ۲۴، فراز ۱۰).
۴. «وَأَعْظَمَ مِنِّي لَدَيَّ مِنْ أَنْ أَقَاصَهُمَا بَعْدِلٍ، أَوْ أَجَازِيَهُمَا عَلَيَّ مِثْلَ» (دعای ۲۴، فراز ۱۰).
۵. «وَوَقَّفَنِي لِلتَّقْوِذِ فِيمَا تُبْصِرُنِي مِنْ عِلْمِهِ حَتَّى لَا يَقُوْتِي اسْتِعْمَالُ شَيْءٍ عَلَّمْتَنِيهِ» (دعای ۲۴، فراز ۳).
۶. «وَلَا تُثْقَلْ أَرْكَانِي عَنِ الْحُقُوفِ فِيمَا أَلْهَمْتَنِيهِ» (دعای ۲۴، فراز ۳).
۷. «اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي أَهَابُهُمَا هَيِّبَةَ السُّلْطَانِ الْعُسُوفِ، وَأَبْرُهُمَا بَرَّ الْأُمِّ الرَّءُوفِ» (دعای ۲۴، فراز ۵).
۸. «وَأَجْعَلْ طَاعَتِي لَوْلَادِي وَبِرِّي بِهِمَا أَقْرَ لِعَيْنِي مِنْ رَقْدَةِ الْوَسْتَانِ، وَأُثْلَجَ لِبَدْرِي مِنْ شَرْبَةِ الظَّمَانِ» (دعای ۲۴، فراز ۵).

- خواسته‌های آنها را بر خواسته‌های خود؛ و رضایت آنها را بر رضایت خویش، مقدم دارد؛<sup>۱</sup>
- خدمات ایشان در حق خود را هر چند اندک، بسیار شمارد؛<sup>۲</sup>
- نیکی‌های خود در حق آنها را هر چند بسیار، اندک شمارد؛<sup>۳</sup>
- وظایف خود در برابر آنها را در کمال رأفت و مهربانی به انجام رساند؛<sup>۴</sup>
- در محضر ایشان، آنها را به آهستگی صدا کند [یا صدای خود را در حضور آنها بالا نبرد]؛<sup>۵</sup>
- در گفت‌وگویی با آنها نرمی و لطافت در کلام را رعایت کند؛<sup>۶</sup>
- در مقابل ایشان، نرم‌خویی و انعطاف داشته باشد؛<sup>۷</sup>
- به حال ایشان، دل‌سوزی، مهربانی و شفقت ورزد؛<sup>۸</sup>
- از کوتاهی و کم‌کاری والدین در امر پرورش و تربیت خود، درگذرد؛<sup>۹</sup> [چون این کم‌کاری ناشی از بی‌مبالاتی و تمرد آنها نبوده است]؛
- حضور همیشگی یاد و خاطره والدین و عدم فراموشی آن در هیچ‌آنی از آنات را از خداوند مسئلت کند؛<sup>۱۰</sup> [که خود نشانه عظمت مقام و حقوق آنهاست]؛

۱. «حَتَّىٰ أُوْتِرَ عَلَيَّ هَوَايَ هَوَاهُمَا، وَأُقَدِّمَ عَلَيَّ رِضَايَ رِضَاهُمَا وَأَسْتَكْتَبِرَ بِرُّهُمَا بِي وَإِنْ قُلَّ، وَأَسْتَقْبَلُ بِرِّي بِهِمَا وَإِنْ كَثُرَ» (دعای ۲۴، فراز ۵).
۲. «وَأَسْتَكْتَبِرُ بِرُّهُمَا بِي وَإِنْ قُلَّ» (دعای ۲۴، فراز ۵).
۳. «وَأَسْتَقْبَلُ بِرِّي بِهِمَا وَإِنْ كَثُرَ» (دعای ۲۴، فراز ۵).
۴. «وَأُبْرِهُمَا بِرَّ الْأُمِّ الرَّءُوفِ، وَاجْعَلْ طَاعَتِي لَوْلَدَيَّْ وَبِرِّي بِهِمَا أَقْرَبَ لِعَيْنِي مِنْ رَقْدَةِ الْوَسْطَانِ، وَأَنْلِجَ لَصَدْرِي مِنْ شَرِّبَةِ الظَّمَانِ» (دعای ۲۴، فراز ۵).
۵. «اللَّهُمَّ خَفِّضْ لَهُمَا صَوْتِي، وَأَطِبْ لَهُمَا كَلَامِي» (دعای ۲۴، فراز ۶).
۶. «وَأَلِنْ لَهُمَا عَرَبِيَّتِي، وَأَعْطِفْ عَلَيْهِمَا قَلْبِي، وَصَيِّرْنِي بِهِمَا رَفِيقًا، وَعَلَيْهِمَا شَفِيقًا» (دعای ۲۴، فراز ۶).
۷. «وَأَعْطِفْ عَلَيْهِمَا قَلْبِي، وَصَيِّرْنِي بِهِمَا رَفِيقًا، وَعَلَيْهِمَا شَفِيقًا» (دعای ۲۴، فراز ۶).
۸. «اللَّهُمَّ خَفِّضْ لَهُمَا صَوْتِي، وَأَطِبْ لَهُمَا كَلَامِي، وَأَلِنْ لَهُمَا عَرَبِيَّتِي، وَأَعْطِفْ عَلَيْهِمَا قَلْبِي، وَصَيِّرْنِي بِهِمَا رَفِيقًا، وَعَلَيْهِمَا شَفِيقًا» (دعای ۲۴، فراز ۶).
۹. «اللَّهُمَّ وَمَا تَعَدَّيَا عَلَيَّ فِيهِ مِنْ قَوْلٍ، أَوْ أَسْرَفَا عَلَيَّ فِيهِ مِنْ فِعْلٍ، أَوْ صَبَّعَا لِي مِنْ حَقٍّ، أَوْ قَصَّرَا بِي عَنْهُ مِنْ وَاجِبٍ فَقَدْ وَهَبْتُهُمَا لَهُمَا، وَجَدْتُ بِهِ عَلَيْهِمَا وَرَعْبْتُ إِلَيْكَ فِي وَضْعِ تَبِعْتَهُ عَنْهُمَا، فَإِنِّي لَا أَتَّهَمُهُمَا عَلَيَّ نَفْسِي، وَلَا أَسْتَبْطِئُهُمَا فِي بَرِّي، وَلَا أَكْرَهُ مَا تَوَلَّيَا مِنْ أَمْرِي يَا رَبِّ» (دعای ۲۴، فراز ۹).
۱۰. «اللَّهُمَّ لَا تُنْسِنِي ذِكْرَهُمَا فِي أَدْبَارِ صَلَوَاتِي، وَفِي إِيَّيْ مِنْ آتَاءِ لَيْلِي، وَفِي كُلِّ سَاعَةٍ مِنْ سَاعَاتِ نَهَارِي» (دعای ۲۴، فراز ۱۳).

- همواره و در همه حال، برای ایشان رحمت، آمرزش، خشنودی و مغفرت الهی را طلب کند؛<sup>۱</sup>
- به پاس خدمات و زحمات آنها به‌ویژه در دوران خردسالی فرزند، پادشاهای اخروی نیکو و انعامات خاص الهی را تقاضا کند؛<sup>۲</sup>
- به پاس تحمل زحمات ناشی از پرورش و تربیت فرزند برای ایشان رفعت مقام، علو شأن و افزایش حسنات و درجات را مسئلت کند؛<sup>۳</sup>
- برخوردارى خود از حق شفاعت والدین و متقابلاً برخوردارى والدین از حق شفاعت فرزند را در قیامت از خداوند طلب کند؛<sup>۴</sup>
- بستر لازم برای برخوردارى والدین از آثار وجودی خود در دنیا و آخرت را تمهید کند. برای نمونه: تقویت توان مالی والدین، اصلاح امور آنها [ایجاد و افزایش]، آرامش و آسایش آنها، زنده نگه داشتن نام آنها [در پرتو خوش نامی فرزند]، تحقق خواسته‌ها و آرزوهای آنها در پرتو مساعدت فرزند، محبت و مهربانی به آنها، تعلق خاطر قلبی داشتن به آنها، اطاعت و فرمان‌بری از آنها، دوری جستن از خطاکاری و بدکرداری در حق ایشان، استمرار و فراوان سازی نسل آنها از طریق تولید نوه‌ها، نتیجه‌ها و ...، سامان یابی امور والدین در دوره غیبت ایشان [رسیدگی به امور آنها، به هنگام ناتوانی یا بعد از مرگشان].<sup>۵</sup>

۱. «وَاحْصُصْ لِلَّهِمَّ وَالَّذِي بِالْكَرَامَةِ لَدَيْكَ، وَالصَّلَاةِ مِنْكَ. (دعای ۲۴، فراز ۲) / اللَّهُمَّ تَجَاوَزْ عَنَّا أَبَائِنَا وَأُمَّهَاتِنَا وَأَهْلَ دِينِنَا جَمِيعًا مَن سَلَفَ مِنْهُمْ وَمَن عَبَّرَ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ» (دعای ۴۵، فراز ۵۵).
۲. «اللَّهُمَّ اشْكُرْ لَهُمَا تَرْبِيَّتِي، وَأَتَيْهُمَا عَلَيَّ تَكْرِمَتِي، وَاحْفَظْ لَهُمَا مَا حَفِظَاهُ مِنِّي فِي صِغَرِي / احْصُصْ أَبِيَّ بِأَفْضَلِ مَا حَصَصْتَ بِهِ آبَاءَ عِبَادِكَ الْمُؤْمِنِينَ وَأُمَّهَاتِهِمْ، يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ» (دعای ۲۴، فراز ۷ و ۱۲).
۳. «اللَّهُمَّ اشْكُرْ لَهُمَا تَرْبِيَّتِي، وَأَتَيْهُمَا عَلَيَّ تَكْرِمَتِي، وَاحْفَظْ لَهُمَا مَا حَفِظَاهُ مِنِّي فِي صِغَرِي. اللَّهُمَّ وَمَا مَسَّهُمَا مِنِّي مِنْ أَدَى، أَوْ خَلَصَ إِلَيْهِمَا عَنِّي مِنْ مَكْرُوهِ، أَوْ ضَاعَ قِبَلِي لَهُمَا مِنْ حَقٍّ فَاجْعَلْهُ حِطَّةً لِدُنُوبِهِمَا، وَعَلِّوْا فِي دَرَجَاتِهِمَا، وَزِيَادَةً فِي حَسَنَاتِهِمَا» (دعای ۲۴، فراز ۷ و ۸).
۴. «اللَّهُمَّ وَإِنْ سَبَقَتْ مَغْفِرَتُكَ لَهُمَا فَشَفِّعْهُمَا فِيَّ، وَإِنْ سَبَقَتْ مَغْفِرَتُكَ لِي فَشَفِّعْنِي فِيهِمَا حَتَّى نَجْتَمِعَ بِرَأْفَتِكَ فِي دَارِ كَرَامَتِكَ وَمَحَلِّ مَغْفِرَتِكَ وَرَحْمَتِكَ» (دعای ۲۴، فراز ۱۵) / اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَاعْفِرْ لِي بِدُعَائِي لَهُمَا، وَاعْفِرْ لَهُمَا بِي مَغْفِرَةً حَسَنًا، وَأَرْضْ عَنْهُمَا بِسَفَاعَتِي لَهُمَا رِضًى عَزْمًا، وَتَلَعَّهُمَا بِالْكَرَامَةِ مَوَاطِنَ السَّلَامَةِ» (دعای ۲۴، فراز ۱۴).
۵. «اللَّهُمَّ اشْدُدْ بِهِمْ عَضْدِي، وَأَقِمَّ بِهِمْ أَوْدِي، وَكَثِّرْ بِهِمْ عَدَدِي، وَزَيِّنْ بِهِمْ مَحْضَرِي، وَأَخِي بِهِمْ ذِكْرِي، وَكَفِّنِي بِهِمْ فِي غَيْبِي، وَأَعِنِّي بِهِمْ عَلَيَّ حَاجَتِي، وَاجْعَلْهُمَ لِي مُجِيبِينَ، وَعَلَيَّ حَادِيِينَ مُقْبِلِينَ مُسْتَقِيمِينَ لِي، مُطِيعِينَ، غَيْرَ عَاصِينَ وَلَا عَاقِبِينَ وَلَا مُخَالِفِينَ وَلَا خَاطِبِينَ» (دعای ۲۵، فراز ۴).

### ۳-۲-۳- تکالیف متقابل والدین و فرزندان

امام علیه السلام در فرازهایی نیز به تکالیف متقابل والدین و فرزندان توجه داده است، از آن جمله:

- [سزاوار است که والدین و فرزندان در جهت] تقویت دوستی‌ها به جای دشمنی‌ها؛ اتصال و پیوندها [با دوستان و خویشان] به جای بریدگی و قطع آنها؛ نیکی کردن [متقابل به جای بی‌مهری و بی‌اعتنایی]؛ و یاری و مساعدت یک‌دیگر به جای روگردانی و بازنشستن از آن تلاش کنند.<sup>۱</sup>
- امام علیه السلام همچنین به لزوم دوستی، صله رحم و یاری و مساعدت متقابل خویشان توجه داده است.<sup>۲</sup>

### ۳-۳- حقوق دوستان و همسایگان

از جمله حق دارانی که امام سجاد علیه السلام با تأکید به رعایت حقوقشان توصیه فرموده‌اند، جماعت دوستان هستند. «دوست» کسی است که با فرد رابطه عاطفی و صمیمی دارد و به نفس این پیوند فراتر از اغراض سودجویانه و منفعت طلبانه، وفادار و متعهد است. دوستی و صمیمیت امری ذومراتب است و دوستان هر فرد بسته به شدت و ضعف این پیوند، نسبتی متفاوت با او می‌یابند و بالطبع حقوق و تکالیف متقابل آنها نیز متفاوت خواهد بود. مؤمن موظف است دوستان خود را از میان کسانی که تناسب بیشتری با پایگاه اعتقادی و ارزشی او دارند و در عمل نیز مصاحبت و مجالست با آنها مفید به حال دنیا و آخرت اوست، انتخاب کند. منطق مستفاد از دعاهای حضرت علیه السلام این است که دوستان و دشمنان ما به اقتضای «خدامحوری» و اصل «تولی و تبری»، دوستان و دشمنان خدا باشند. مؤمن مجاز نیست با دوستان خدا (به حسب ظاهر و با معیارهای ایمانی متعارف و به اصطلاح افراد ظاهر الصلاح)، دشمنی و با دشمنان وی (افراد متجاهر به کفر اعتقادی و عملی)، روابط دوستی و عاطفی داشته باشد؛ مگر به

۱. «اللَّهُمَّ وَأَبْدَلْنِي... مِنْ عَدَاوَةِ الْأَذْيَنِ الْوَلَايَةَ، وَمِنْ عُقُوقِ ذَوِي الْأَرْحَامِ الْمَبْرَّةِ، وَمِنْ خِدْلَانِ الْأَقْرَبِينَ النَّصْرَةَ» (دعای ۲۰، فراز ۷).

۲. در خصوص حقوق و وظایف فرد در برابر والدین و خویشان ر. ک: سید حسین شرف‌الدین، تحلیلی اجتماعی از صله رحم، ص ۱۴۹-۳۰۵.

ملاحظات ثانوی همچون ترغیب آنها به ایمان یا ضرورت‌ها و ملاحظات اجتماعی<sup>۱</sup>.  
 دسته دیگر حق‌داران، که امام سجاد علیه السلام با عنایت و تأکید خاص به رعایت  
 حقوقشان توصیه فرموده‌اند، همسایگان‌اند. از این رو، عنوان «همسایگی» نیز از جمله  
 عناوینی است که در نظام ارزشی اسلام و عرف عقلا، دارنده حق و حقوق اخلاقی  
 ویژه شمرده شده است. بی‌شک، کسی که با معیارهای عرفی، همسایه شمرده شود، به  
 صرف همسایه بودن، حقوقی و متقابلاً تکالیفی می‌یابد. اگر وی علاوه بر عنوان  
 همسایگی از عناوین دیگری همچون خویشاوندی، هم‌کیشی، فضیلت و تقوا، فقر و  
 مسکنت نیز برخوردار باشد این حقوق نیز بالنسبه فزونی و اشتداد می‌یابد.

بدیهی است که همسایگان نیز به دلیل تفاوت در قرب اعم از قرب نسبی و  
 خویشاوندی یا قرب مکانی و یا قرب اعتقادی و همچنین داشتن بعد در این سه جنبه،  
 وضعیت متفاوت و قاعدتاً حقوق و انتظارات متفاوتی دارند. مرز و حریم همسایگی  
 کجاست؟ طبق پاره‌ای روایات، تا چهل خانه از چهار طرف همسایه محسوب می‌شوند  
 که در شهرهای کوچک تقریباً تمام شهر را در بر می‌گیرد. جالب توجه اینکه قرآن در  
 آیه ۳۶ سوره نساء علاوه بر ذکر همسایگان نزدیک، تصریح به حق همسایگان دور  
 کرده است زیرا کلمه همسایه معمولاً مفهوم محدودی دارد و تنها همسایگان نزدیک را  
 در بر می‌گیرد. لذا برای توجه دادن به وسعت مفهوم آن از نظر اسلام راهی جز این نبوده  
 که نامی از همسایگان دور نیز صریحاً برده شود. و نیز ممکن است منظور از همسایگان  
 دور، همسایگان غیر مسلمان باشد، زیرا حق جوار (همسایگی)، در اسلام منحصر به  
 همسایگان مسلمان نیست و غیر مسلمانان را نیز شامل می‌شود (مگر آنهایی که با  
 مسلمانان سرجنگ داشته باشند). علامه طباطبایی نیز در تفسیر آیه مذکور با بسط  
 دیگری در مفهوم همسایه می‌نویسد: و جمله الصاحب بالجنب به معنای کسی است  
 که پهلوئی آدم باشد، حال یا در سفر از سایر رفقا به انسان نزدیک‌تر باشد، و یا در حضر  
 خانه‌اش دیوار به دیوار فرد باشد، و یا در جای دیگر مصاحب او باشد (طباطبائی، ۱۳۶۳:  
 ۵۶۲/۴).

۱. ر. ک: محمد محمدی ری شهری، دوستی در قرآن و حدیث.

برخی نیز تعیین حدود همسایگی را به عرف زمانه محول کرده‌اند. گفتنی است که هر چند قرب مکانی در همسایه داری غالب است اما گاه همسایگی به هم‌جواری در محل کار، محل کسب، محل تحصیل و... همسایگی‌های موقت و گذرا (مثلاً در سفر، تفریح، اردو، و...)، همسایگی میان اقوام ساکن در مناطق هم‌جوار و نیز همسایگی میان کشورها اطلاق می‌شود.

تردیدی نیست که بسیاری از ارزش‌ها و فضایل اخلاقی چون عزت نفس، صبر، ایثار، گذشت، انفاق، خویش‌داری، حلم، تغافل، نوع‌دوستی، در بستر روابط همسایگی زمینه ظهور و شکوفایی بیشتر و بهتری می‌یابند؛ چه اینکه بسیاری از رذایل چون خودخواهی، حقارت، تکبر، غرور، ریا، بی‌تفاوتی، بدگمانی، غیبت، لجباجت، حسادت و... در این میدان، امکان بروز بیشتر می‌یابند.

نیازی به ذکر نیست که در دوران معاصر، روابط همسایگی و اخلاق همسایه داری به شدت تضعیف شده است. از دید برخی مردم‌شناسان، در گذشته به واسطه پیوندهای قومی، زبانی، مذهبی و فرهنگی، اعتماد اجتماعی افراد نسبت به هم بالا بود. در دوره‌های پیشامدرن خانه و به تبع آن هم‌خانگی، هم‌جواری و همسایگی به مثابه فضای قدسی تلقی می‌شد. نفوذ مدرنیسم و تغییرسبک و روش زندگی بر زوال هم‌بستگی‌های اجتماعی و همسایگی تأثیر گذاشته است. تولید انبوه آپارتمان‌ها و برج‌ها باعث تضعیف آن ارزش‌های قدسی و هم‌بستگی‌ها و حقوق همسایگان شده است. طی این فرایند، امروزه با توسعه فرایند فردگرایی و گرایش به سمت فضاها و ارتباطات مجازی، مفهوم اجتماعی جدیدی به نام همسایگی‌های مجازی رقم خورده است. در این نوع همسایگی که از طریق اینترنت و ماهواره و غیره فراهم شده است، دیگر برای همسایگی نیازی به مجاورت مکانی نیست. این روند و تحول همسایگی باعث تحول روابط اجتماعی و کاهش تماس‌های چهره به چهره شده است (فاضلی، ۱۳۹۰: ۴۱-۴۴).

علاوه بر آپارتمان‌نشینی و فضای مجازی، عوامل دیگری نیز در افت موقعیت همسایگی مؤثر بوده‌اند: فردگرایی، ناهمگنی فرهنگی (قومی، زبانی، دینی)، ناشی از مهاجرت، فاصله‌های طبقاتی، ناهم‌زبانی به دلیل تفاوت‌های موقعیتی و شغلی، کاهش التزام به رعایت وظایف اخلاقی در این خصوص، بی‌اعتمادی، کوتاهی زمان سکونت



به دلیل تغییر مستمر مسکن، خوف از دخالت دیگران در امور شخصی، عدم فرصت به دلیل افراط در اشتغال، عدم نیاز و... (گلی زواره، ۱۳۸۹: ۶۷-۳۳۹).

اهم حقوقی که امام سجاد علیه السلام در دعای ۲۶ صحیفه برای دوستان و همسایگان برشمرده، و مؤمنان را به ادای آن تکلیف و ترغیب فرموده، از این قرارند:

- [موفقیت] دوستان و همسایگان در اقامه دین و آیین الهی (زندگی برمدارین)، را آرزو کنند؛
- بگذرداری های آنها [درحق خود] را به نیکی پاسخ دهند؛
- از ظلم های آنها (درحق خود)، درگذرند؛
- به ایشان حسن ظن و گمان نیک داشته باشند؛
- در حق ایشان مهرورزی و شفقت پیشه کنند؛
- عفت ورزند و چشمان خود را از نوامیس آنها فروبندند؛
- در برابر آنها، نرم خو و متواضع باشند؛
- به حال مصیبت دیدگان آنها دل سوزی و ترحم ورزند؛
- بدانها در غیابشان [علاوه بر حضورشان]، محبت و دوستی اظهار کنند؛
- از سر خیرخواهی و نیک اندیشی، حفظ و بقای نعمت ها و داشته های آنها را خواستار شوند؛
- با ایشان همچون خویشان و نزدیکان خود، تعامل کنند؛
- با ایشان همچون خاصان (و مقربان)، خود تعامل کنند و حرمت ایشان را همچون حرمت نزدیکان خود پاس دارند.<sup>۱</sup>

امام سجاد علیه السلام در فرازی دیگر، دعا برای موفقیت دوستان و همسایگان در ادای وظایف و انجام نیکی ها را نیز جزو وظایف متقابل آنها برشمرده است. در این فراز نیز امام تلویحا به بخشی از حقوق و تکالیف اخلاقی دوستان و همسایگان در برابر یکدیگر توجه داده و موفقیت مستمر ایشان در انجام آن را از خداوند مسئلت کرده

۱. «وَأَجْعَلْنِي اللَّهُمَّ أَجْرِي بِالْإِحْسَانِ مُسَيِّئُهُمْ، وَأَعْرِضْ بِالتَّجَاوُزِ عَن ظَالِمِهِمْ، وَأَسْتَعْمِلْ حُسْنَ الظَّنِّ فِي كَافَتِهِمْ، وَأَتَوَلَّى بِالْبِرِّ عَامَتَهُمْ، وَأَغْضُ بَصْرِي عَنْهُمْ عَقَّةً، وَأَلِيَنَّ جَانِبِي لَهُمْ تَوَاضِعاً، وَأَرِقُّ عَلَيَّ أَهْلَ الْبَلَاءِ مِنْهُمْ رَحْمَةً، وَأَسِرْ لَهُمْ بِالْغَيْبِ مَوَدَّةً، وَأَجِبْ بَقَاءَ النُّعْمَةِ عِنْدَهُمْ نُصْحاً، وَأُوجِبْ لَهُمْ مَا أُوجِبُ لِحَامَتِي، وَأَزْعِي لَهُمْ مَا أَزْعِي لِخَاصَّتِي» (دعای ۲۶، فراز ۳).

است. انتظار این است که مؤمنان نیز به این سنت حسنه و خلق کریمانه اقتدا کنند. اهم توفیقات مورد درخواست برای آحاد دوستان و همسایگان از این قرارند:

- به فقرا و نیازمندان کمک کند؛
- از بیماران عیادت کنند؛
- هدایت جوانان را هدایت و راهنمایی کنند؛
- مشورت خواهان را نصیحت و اندرز دهند؛
- از مسافران استقبال کنند؛
- رازها و اسرار یکدیگر را کتمان کنند؛
- عیوب و کاستی‌های یکدیگر را بپوشانند؛
- مظلومان و ستم‌دیدگان را یاری و مساعدت نمایند؛
- در تأمین مایحتاج نیازمندان و ستم‌دیدگان با آنها مواسات کنند [آنها را در اموال خود شریک سازند]؛

- قبل از طرح سؤال و اعلام نیاز از سوی نیازمندان، از اموال و دارایی‌های خویش بدیشان ببخشند و در تأمین ضروریات زندگی آنها مشارکت جویند؛<sup>۱</sup>
  - در حد وسع و توان به یکدیگر و به صورت متقابل خدمات ارائه کنند؛
  - از عنایات و امکانات یکدیگر به صورت متقابل بهره‌گیری نمایند؛
  - بینش و بصیرت خود را نسبت به موقعیت و حقوق یکدیگر افزایش دهند؛
  - از آثار وجودی یکدیگر (در مسیر نیل به سعادت)، بهره‌گیری متقابل نمایند.<sup>۲</sup>
- امام علیه السلام همچنین در فرازی توفیق اعطای خدمات و مساعدت‌های ویژه به همسایگان مؤمن و ولایت‌مدار (دارای تولی و تبری)، را از خداوند مسئلت می‌کند.<sup>۳</sup>

۱. «وَوَفَّقَهُمْ لِإِقَامَةِ سُنَّتِكَ، وَالْأَخْذِ بِمَحَاسِنِ أَدَبِكَ فِي إِزْفَاقِ صَعِيفِهِمْ، وَسَدِّ خَلْتِهِمْ، وَعِيَادَةِ مَرِيضِهِمْ، وَهَدَايَةِ مُسْتَشِيرِهِمْ، وَمَنَاصِحَةِ مُسْتَشِيرِهِمْ، وَتَعَهُّدِ قَادِمِهِمْ، وَكَيْفَانِ أَسْرَارِهِمْ، وَسَرِّ عَوْرَاتِهِمْ، وَنُصْرَةِ مَظْلُومِهِمْ، وَحُسْنِ مُوَاسَاتِهِمْ بِالْمَاعُونِ، وَالْعَوْدِ عَلَيْهِمْ بِالْحِدَّةِ وَالْإِفْضَالِ، وَإِعْطَاءِ مَا يَجِبُ لَهُمْ قَبْلَ السُّؤَالِ» (دعای ۲۶، فراز ۲).

۲. «وَأَرْزُقْنِي مِثْلَ ذَلِكَ مِنْهُمْ، وَاجْعَلْ لِي أَوْفَى الْحُطُوطِ فِيمَا عِنْدَهُمْ، وَرِزْقَهُمْ بَصِيرَةً فِي حَقِّي، وَمَعْرِفَةً بِفَضْلِي حَتَّى يَسْعُدُوا بِي وَأَسْعَدَ بِهِمْ، آمِينَ رَبَّ الْعَالَمِينَ» (دعای ۲۶، فراز ۴).

۳. «اللَّهُمَّ... وَتَوَلَّيْ فِي جِبْرَانِي وَمَوَالِي الْعَارِفِينَ بِحَقَّقَاتِي، وَالْمُنَابِذِينَ لِأَعْدَائِي بِأَفْضَلِ وَلَايَتِكَ» (دعای ۲۶، فراز ۱).

## نتیجه‌گیری

۷۵

حقوق و وظایف اخلاق اجتماعی متقابل در...

- امام سجاد (ع) در برخی فرازاها، دایره مؤمنان مشمول ادعیه خاص خود را به پیروان واقعی همه ادیان الهی بسط داده و به‌خصوص مؤمنان به اسلام بسنده نکرده است؛
- امام (ع) در ضمن مطالبات معنوی خود برای عموم مؤمنان، همه آنچه سعادت دنیوی و اخروی ایشان را تضمین می‌کند، به زبان ایجابی و سلبی، مؤکداً از خداوند مسئلت کرده است؛
- امام (ع) در ضمن ادعیه خود، مؤمنان به اسلام [مسلمین] را به جهاتی بر مؤمنان به سایر ادیان برتری داده و برای ایشان انعامات خاص و توفیقاتی ویژه را به‌صورت مؤکد درخواست کرده است؛
- برخی از ویژگی‌های مذکور در کلام امام و نیز برخی توفیقات درخواستی به عموم مؤمنان و برخی صرفاً به خواص و فرهیختگان و استعلاء یافتگان از اهل ایمان تعلق دارد؛
- از دید امام (ع) سیاست‌های فرهنگی جامعه مؤمنان همواره باید در راستای صیانت، تثبیت، تعمیق و تشدید ایمان مؤمنان و حفظ ایشان از ابتلا به ویروس‌های تضعیف‌کننده و ایمان‌سوز و در غلطیدن به وادی انحراف تمهید و تدارک شود؛
- امام (ع) همچنین در ضمن دعاهاى خود به ضرورت امنیت روانی، اخلاقی، مالی، جانی، حیثیتی، دینی، شغلی و اجتماعی در جامعه توجه داده است؛
- نکته قابل تأمل دیگر، پیوند خوردن سرنوشت اعضای جامعه به یک‌دیگر است. تردیدی نیست که افراد در جامعه آگاهانه یا ناآگاهانه، خواسته یا ناخواسته، مستقیم یا با واسطه، در هر موقعیتی می‌توانند در پرتو عقاید و اعمال و آثار وجودی خود، علاوه بر خود، زمینه رشد و تعالی دیگران یا متقابلاً زمینه انحطاط و تباهی آنها را فراهم سازند. بی شک، توجه به پیامدهای اعمال و برد آنها در این جهان، مراقبت و حساسیت کنشگران را در کمیت و کیفیت آنها افزایش می‌دهد؛
- امام (ع) همچنین در برخی فرازاها به ارتباط ویژه و بی نظیر والدین و فرزندان یا همان وابستگی وجودی در خلقت و مراقبت و سرپرستی در مراحل آغازین زندگی توجه

- داده و بر لزوم رعایت حقوق و تکالیف متقابل تأکید فرموده است؛
- توصیه به طلب توفیق برای ادای حقوق والدین، خود نشانه اهمیت آن است؛
  - در ظاهر چنین به نظر می‌رسد که حقوق والدین بر فرزند کماً و کیفاً برتر از حقوق فرزند بر ایشان است؛
  - حقوق والدین بر فرزندان، در هیچ شرایطی تعطیل بردار نیست؛ اگرچه ممکن است به واسطه برخی محدودیت‌های فرزند، موقتاً تخفیف یابد؛
  - بر خورداری والدین و فرزندان از آثار وجودی یک‌دیگر منحصر به زندگی این جهانی نیست. به بیان مصداقی، والدین و فرزندان حتی در قیامت نیز ممکن است به شفاعت هم نیازمند باشند؛
  - امام علیه السلام همچنین در فرازهایی عموم مؤمنان را به حقوق و تکالیف متقابل عمدتاً اخلاقی در برابر دوستان و همسایگان توجه می‌دهد؛
  - عنوان همسایگی در روایات و عرف تا شعاع قابل توجهی از همسایگان را پوشش می‌دهد؛
  - دوستان و همسایگان با ارجاع به معیارهای مختلف، موقعیت‌های متفاوتی نسبت به فرد دارند و این تفاوت موقعیتی در نظام حقوقی و تکلیفی ایشان، انعکاس می‌یابد؛
  - امام علیه السلام در فرازهایی از دعای ۲۶ صحیفه به بخش قابل توجهی از حقوق و تکالیف متقابل افراد با دوستان و همسایگان را با عنایتی خاص تذکر فرموده است؛
  - عموم مؤمنان به آثار و نتایج متفرع بر رعایت این حقوق و تکالیف در مقیاس فردی و اجتماعی توجه یافته‌اند؛
  - عموم افراد به رعایت این حقوق و انجام تکالیف مربوط ترغیب و تشویق شده‌اند؛
  - در عصر و زمان حاضر به علل و دلایل عدیده، موقعیت همسایگی تضعیف شده و به تبع آن احساس مسئولیت متقابل در همسایگان نیز قویاً فروکش کرده است.

### کتاب‌نامه

۱. قرآن کریم، ترجمه محمد مهدی فولادوند.
۲. آقابخشی، علی، فرهنگ علوم سیاسی، تهران، مرکز اطلاعات و مدارک علمی ایران، ۱۳۷۶.
۳. جعفری لنگروردی، محمد جعفر، ترمینولوژی حقوق، تهران، بنیاد راستا، ۱۳۶۳.

۴. جوادی آملی، عبدالله، حق و تکلیف، فصلنامه حکومت اسلامی، شماره ۲۹، پاییز ۱۳۸۲ (ص ۳۰-۷۲)
۵. رضایی، محمد مهدی، ترجمه صحیفه سجادیه، قم، نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه‌ها، دفتر نشر معارف، ۱۳۹۰.
۶. شرف الدین، سیدحسین، تحلیلی اجتماعی از صله رحم، قم، بوستان کتاب، ۱۳۷۸.
۷. شرف الدین، سیدحسین، نظری، نصرالله، مهمانی و میزبانی در سبک زندگی اسلامی، قم، مؤسسه فرهنگی و هنری دین و معنویت آل یاسین، زمستان ۱۳۹۵.
۸. طباطبایی، محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه سید محمد باقر موسوی همدانی، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۳۶۳.
۹. فاضلی، نعمت الله، همسایگی در شهر: مطالعه‌ای در زمینه چالش‌های فرهنگی، تهران، تیسرا، ۱۳۹۰.
۱۰. فلاح، محمد جواد، همسایگی به سبک آفتاب، قم، انتشارات موسسه فرهنگی هنری دین و معنویت آل یاسین، ۱۳۹۵.
۱۱. گلی زواره، غلامرضا، همسایه سایه ماست، قم، صحیفه خرد، ۱۳۸۹.
۱۲. محدثی، جواد، اخلاق معاشرت، چاپ دوم، قم، بوستان کتاب، ۱۳۸۸.
۱۳. محمدی ری شهری، محمد، دوستی در قرآن و حدیث، ترجمه سید حسن اسلامی، قم، مؤسسه فرهنگی دارالحدیث، ۱۳۷۹.
۱۴. مصباح یزدی، محمد تقی، اخلاق در قرآن، چاپ سوم، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، ۱۳۷۸.
۱۵. —، حقوق و سیاست در قرآن، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، ۱۳۸۴.
۱۶. —، نظریه حقوقی اسلام، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، ج ۱، ۱۳۸۶.
۱۷. مکارم شیرازی و دیگران، ناصر، تفسیر نمونه، چاپ چهل و دوم، قم، دارالکتاب الاسلامیه، ۱۳۸۱.
۱۸. هاشمی رفسنجانی، اکبر و همکاران، فرهنگ قرآن، جلد دهم، چاپ دوم، قم، بوستان کتاب، ۱۳۸۶.

